

استعاره و تمثیل در کلمات قصار نهج البلاغه

۱۳۵۳۴۴۱

دکتر یدالله رفیعی

عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، ۱۳۹۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

تهران، صندوق پستی ۶۴۱۹-۱۴۱۵۵، تلفن: ۳-۸۸۰۴۶۸۹۱، فکس: ۸۸۰۳۶۳۱۷

استعاره و تمثیل در کلمات قصار نهج البلاغه

مؤلف: دکتر یدالله رفیعی

مدیر انتشارات: ناصر زعفرانچی

صفحه‌آرا: زینب جهان‌بان

مسئول فنی: عرفان بهاردوست

جلد: فرزانه صادقیان

ناظر چاپ: مجید اسماعیلی زارع

اپ اول: ۱۳۹۴

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

چاپ و تحافی: تفرید

حق چاپ برای پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی محفوظ است.

سرشناسه: رفیعی، یدالله، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور: استعاره و تمثیل در کلمات قصار نهج البلاغه، رفیعی، یدالله

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۳۲۲ ص.

شابک: 978-964-426-822-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. . نهج البلاغه -

کلمات قصار - نقد و تفسیر

موضوع: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. . نهج البلاغه -

مسائل ادبی

شناسه افزوده: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ BP ۰۹۴۲۳/۳/۷

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۱۵

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۳۴۹۶۶

فهرست مطالب

۱۵	پیش‌گفتار
۱۷	مقدمه
۲۴	روش کار
۲۷	تحلیل تمثیل‌ها و استعاره‌های کلمات قصار نهج البلاغه
۴۰	تحلیل تمثیل‌ها و استعاره‌ها
۴۰	حکمت ۱
۴۱	حکمت ۲
۴۳	حکمت ۳
۴۴	حکمت ۴
۴۶	حکمت ۵
۴۸	حکمت ۶
۴۹	حکمت ۷
۵۱	حکمت ۹
۵۴	حکمت ۱۰
۵۴	حکمت ۱۱
۵۵	حکمت ۱۲
۵۶	حکمت ۱۳
۵۷	حکمت ۱۴
۵۸	حکمت ۱۵
۶۰	حکمت ۱۶
۶۰	حکمت ۱۷
۶۲	حکمت ۱۸
۶۳	حکمت ۱۹

۶۴.....	حکمت ۲۰.....
۶۵.....	حکمت ۲۱.....
۶۶.....	حکمت ۲۲.....
۶۸.....	حکمت ۲۳.....
۶۸.....	حکمت ۲۶.....
۶۹.....	حکمت ۲۷.....
۷۰.....	حکمت ۲۹.....
۷۰.....	حکمت ۳۰.....
۷۱.....	حکمت ۳۱.....
۷۹.....	حکمت ۳۲.....
۸۰.....	حکمت ۳۴.....
۸۱.....	حکمت ۳۷.....
۸۲.....	حکمت ۳۸.....
۸۵.....	حکمت ۳۹.....
۸۵.....	حکمت ۴۰.....
۸۶.....	حکمت ۴۱.....
۸۷.....	حکمت ۴۲.....
۸۹.....	حکمت ۴۵.....
۹۰.....	حکمت ۴۹.....
۹۱.....	حکمت ۵۰.....
۹۲.....	حکمت ۵۴.....
۹۲.....	حکمت ۵۶.....
۹۳.....	حکمت ۵۷.....
۹۴.....	حکمت ۵۹.....
۹۴.....	حکمت ۶۰.....
۹۵.....	حکمت ۶۱.....
۹۶.....	حکمت ۶۳.....
۹۷.....	حکمت ۶۴.....
۹۸.....	حکمت ۶۵.....

فهرست مطالب ۷

۹۸	حکمت ۶۷
۹۹	حکمت ۶۸
۱۰۰	حکمت ۷۲
۱۰۱	حکمت ۷۴
۱۰۱	حکمت ۷۷
۱۰۴	حکمت ۷۸
۱۰۶	حکمت ۷۹
۱۰۷	حکمت ۸۰
۱۰۷	حکمت ۸۱
۱۰۸	حکمت ۸۲
۱۰۹	حکمت ۸۱
۱۱۰	حکمت ۹۲
۱۱۰	حکمت ۹۳
۱۱۲	حکمت ۹۶
۱۱۳	حکمت ۱۰۱
۱۱۴	حکمت ۱۰۲
۱۱۵	حکمت ۱۰۳
۱۱۷	حکمت ۱۰۴
۱۱۹	حکمت ۱۰۷
۱۲۰	حکمت ۱۰۸
۱۲۲	حکمت ۱۰۹
۱۲۴	حکمت ۱۱۰
۱۲۵	حکمت ۱۱۱
۱۲۶	حکمت ۱۱۲
۱۲۷	حکمت ۱۱۳
۱۳۲	حکمت ۱۱۴
۱۳۲	حکمت ۱۱۵
۱۳۳	حکمت ۱۱۷
۱۳۳	حکمت ۱۱۹

۱۳۵.....	حکمت ۱۲۰.....
۱۳۶.....	حکمت ۱۲۲.....
۱۳۹.....	حکمت ۱۲۳.....
۱۳۹.....	حکمت ۱۲۴.....
۱۳۹.....	حکمت ۱۲۵.....
۱۴۰.....	حکمت ۱۲۶.....
۱۴۴.....	حکمت ۱۲۷.....
۱۴۴.....	حکمت ۱۲۸.....
۱۴۵.....	حکمت ۱۳۰.....
۱۴۷.....	حکمت ۱۳۱.....
۱۵۰.....	حکمت ۱۳۳.....
۱۵۱.....	حکمت ۱۳۴.....
۱۵۲.....	حکمت ۱۳۶.....
۱۵۳.....	حکمت ۱۴۶.....
۱۵۴.....	حکمت ۱۴۷.....
۱۶۶.....	حکمت ۱۴۸.....
۱۶۷.....	حکمت ۱۵۰.....
۱۷۲.....	حکمت ۱۵۱.....
۱۷۳.....	حکمت ۱۵۲.....
۱۷۳.....	حکمت ۱۵۴.....
۱۷۴.....	حکمت ۱۵۵.....
۱۷۵.....	حکمت ۱۵۸.....
۱۷۵.....	حکمت ۱۶۳.....
۱۷۶.....	حکمت ۱۶۹.....
۱۷۶.....	حکمت ۱۷۱.....
۱۷۷.....	حکمت ۱۷۲.....
۱۷۷.....	حکمت ۱۷۴.....
۱۷۷.....	حکمت ۱۷۵.....
۱۷۸.....	حکمت ۱۷۶.....

۱۷۸	حکمت ۱۷۷
۱۷۸	حکمت ۱۷۸
۱۷۹	حکمت ۱۷۹
۱۸۰	حکمت ۱۸۰
۱۸۰	حکمت ۱۸۱
۱۸۱	حکمت ۱۸۲
۱۸۲	حکمت ۱۸۷
۱۸۲	حکمت ۱۹۱
۱۸۴	حکمت ۱۹۲
۱۸۴	حکمت ۱۹۳
۱۸۵	حکمت ۱۹۷
۱۸۶	حکمت ۲۰۱
۱۸۶	حکمت ۲۰۳
۱۸۷	حکمت ۲۰۵
۱۸۸	حکمت ۲۰۸
۱۸۸	حکمت ۲۰۹
۱۸۹	حکمت ۲۱۰
۱۹۰	حکمت ۲۱۱
۱۹۳	حکمت ۲۱۲
۱۹۳	حکمت ۲۱۳
۱۹۴	حکمت ۲۱۴
۱۹۵	حکمت ۲۱۵
۱۹۶	حکمت ۲۱۸
۱۹۶	حکمت ۲۱۹
۱۹۸	حکمت ۲۲۱
۱۹۸	حکمت ۲۲۳
۲۰۰	حکمت ۲۲۶
۲۰۰	حکمت ۲۲۷
۲۰۰	حکمت ۲۲۸

۲۰۲	حکمت ۲۲۹
۲۰۲	حکمت ۲۳۰
۲۰۳	حکمت ۲۳۲
۲۰۳	حکمت ۲۳۳
۲۰۴	حکمت ۲۳۴
۲۰۵	حکمت ۲۳۶
۲۰۶	حکمت ۲۳۷
۲۰۷	حکمت ۲۳۸
۲۰۷	حکمت ۲۴۰
۲۰۸	حکمت ۲۴۱
۲۰۸	حکمت ۲۴۶
۲۰۹	حکمت ۲۵۰
۲۱۰	حکمت ۲۵۱
۲۱۰	حکمت ۲۵۲
۲۱۱	حکمت ۲۵۴
۲۱۱	حکمت ۲۵۵
۲۱۲	حکمت ۲۵۷
۲۱۴	حکمت ۲۵۸
۲۱۴	حکمت ۲۵۹
۲۱۵	حکمت ۲۶۱
۲۱۶	حکمت ۲۶۳
۲۱۶	حکمت ۲۶۴
۲۱۷	حکمت ۲۶۵
۲۱۷	حکمت ۲۶۶
۲۱۸	حکمت ۲۷۲
۲۱۸	حکمت ۲۷۳
۲۱۹	حکمت ۲۷۵
۲۲۱	حکمت ۲۷۷
۲۲۲	حکمت ۲۸۰

۲۲۲.....	حکمت ۲۸۱.....
۲۲۳.....	حکمت ۲۸۲.....
۲۲۴.....	حکمت ۲۸۴.....
۲۲۴.....	حکمت ۲۸۷.....
۲۲۵.....	حکمت ۲۸۹.....
۲۲۷.....	حکمت ۲۹۶.....
۲۲۸.....	حکمت ۳۰۰.....
۲۲۹.....	حکمت ۳۰۱.....
۲۲۹.....	حکمت ۳۰۱.....
۲۳۰.....	حکمت ۳۰۴.....
۲۳۱.....	حکمت ۳۰۶.....
۲۳۱.....	حکمت ۳۰۷.....
۲۳۲.....	حکمت ۳۰۸.....
۲۳۲.....	حکمت ۳۱۴.....
۲۳۳.....	حکمت ۳۱۶.....
۲۳۴.....	حکمت ۳۲۰.....
۲۳۵.....	حکمت ۳۲۳.....
۲۳۶.....	حکمت ۳۲۷.....
۲۳۶.....	حکمت ۳۳۱.....
۲۳۷.....	حکمت ۳۳۴.....
۲۳۸.....	حکمت ۳۳۶.....
۲۳۸.....	حکمت ۳۳۷.....
۲۳۹.....	حکمت ۳۴۰.....
۲۴۰.....	حکمت ۳۴۲.....
۲۴۱.....	حکمت ۳۴۳.....
۲۴۱.....	حکمت ۳۴۶.....
۲۴۲.....	حکمت ۳۴۹.....
۲۴۲.....	حکمت ۳۵۱.....
۲۴۳.....	حکمت ۳۵۵.....

۲۴۳.....	حکمت ۳۵۶.....
۲۴۴.....	حکمت ۳۵۷.....
۲۴۴.....	حکمت ۳۵۹.....
۲۴۶.....	حکمت ۳۶۵.....
۲۴۷.....	حکمت ۳۶۶.....
۲۴۸.....	حکمت ۳۶۷.....
۲۵۰.....	حکمت ۳۷۱.....
۲۵۱.....	حکمت ۳۷۲.....
۲۵۲.....	حکمت ۳۷۳.....
۲۵۳.....	حکمت ۳۷۴.....
۲۵۴.....	حکمت ۳۷۵.....
۲۵۵.....	حکمت ۳۷۶.....
۲۵۶.....	حکمت ۳۷۸.....
۲۵۶.....	حکمت ۳۸۱.....
۲۵۷.....	حکمت ۳۹۲.....
۲۵۸.....	حکمت ۳۹۴.....
۲۵۸.....	حکمت ۴۰۲.....
۲۵۹.....	حکمت ۴۰۳.....
۲۵۹.....	حکمت ۴۰۸.....
۲۶۰.....	حکمت ۴۰۹.....
۲۶۱.....	حکمت ۴۱۰.....
۲۶۱.....	حکمت ۴۱۱.....
۲۶۲.....	حکمت ۴۱۳.....
۲۶۳.....	حکمت ۴۱۴.....
۲۶۳.....	حکمت ۴۱۵.....
۲۶۴.....	حکمت ۴۱۶.....
۲۶۵.....	حکمت ۴۱۷.....
۲۶۶.....	حکمت ۴۱۸.....
۲۶۶.....	حکمت ۴۲۰.....

۲۶۷.....	حکمت ۴۲۴.....
۲۶۸.....	حکمت ۴۲۷.....
۲۶۹.....	حکمت ۴۳۰.....
۲۷۰.....	حکمت ۴۳۱.....
۲۷۰.....	حکمت ۴۳۲.....
۲۷۱.....	حکمت ۴۳۵.....
۲۷۳.....	حکمت ۴۳۷.....
۲۷۳.....	حکمت ۴۳۸.....
۲۷۴.....	حکمت ۴۴۰.....
۲۷۵.....	حکمت ۴۴۱.....
۲۷۵.....	حکمت ۴۴۲.....
۲۷۶.....	حکمت ۴۴۳.....
۲۷۷.....	حکمت ۴۴۷.....
۲۷۸.....	حکمت ۴۵۰.....
۲۷۸.....	حکمت ۴۵۵.....
۲۷۹.....	حکمت ۴۵۶.....
۲۸۰.....	حکمت ۴۵۷.....
۲۸۱.....	حکمت ۴۶۰.....
۲۸۲.....	حکمت ۴۶۴.....
۲۸۳.....	حکمت ۴۶۵.....
۲۸۴.....	حکمت ۴۶۶.....
۲۸۵.....	حکمت ۴۶۷.....
۲۸۶.....	حکمت ۴۶۸.....
۲۸۶.....	حکمت ۴۶۹.....
۲۸۷.....	حکمت ۴۷۱.....
۲۸۷.....	حکمت ۴۷۲.....
۲۸۸.....	حکمت ۴۷۴.....
۲۸۹.....	حکمت ۴۷۵.....
۲۹۰.....	حکمت ۴۷۶.....

۱۴ استعاره و تمثیل در کلمات قصار نهج البلاغه

۲۹۰		حکمت ۴۷۹
۲۹۱		حکمت ۴۸۰
۲۹۳		فهرست الفبایی کلمات قصار
۳۰۵		فهرست تشبیهات و استعارات
۳۱۶		نمودار تشبیهات و استعارات موجود در کلمات قصار نهج البلاغه
۳۱۷		منابع و مأخذ

www.ketab.ir

پیش گفتار

نهج البلاغه نام کتابی است که برخی از سخنان گهربار مولای متقیان علی(ع) در آن گنجانده شده است، سخنانی که به گفته بسیاری از بزرگان مادیون کلام خالق و ما فوق کلام بشر است. این سخنان در قرن چهارم توسط سیدرضی جمع آوری و در کتابی به نام نهج البلاغه تدوین شده است. این کتاب در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول شامل خطبه‌های آن حضرت است که در مناسبت‌های مختلف بیان فرموده‌اند. بخش دوم شامل نامه‌هایی که آن حضرت به افراد مختلف نوشته‌اند و بخش پایانی نهج البلاغه به کلمات قصار اختصاص دارد که در بردارنده سخنان کوتاه، جذاب، پرمعنا و قابل فهم است. بی شک یکی از ویژگی‌های مهم این کتاب گرانسنگ، بلاغت آن است که با وجود شرح‌های مختلفی که بر نهج البلاغه نوشته شده، متأسفانه این مهم تاکنون آن‌چنان که باید مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. این پژوهش بر آن است تا تمثیلات و استعارات بخش سوم کتاب را استخراج و به طور کامل تجزیه و تحلیل کند.

مقدمه

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَبْلُغُ مِدْحَتَهُ الْقَائِلُونَ وَلَا يُحْصِي نِعْمَاءَهُ الْعَادُّونَ» (خطبه اول نهج البلاغه)

بررسی ساختاری و شناخت دقیق سخنان امیرالمومنین علی (ع) در نهج البلاغه در فهم آن تأثیری شگرت دارد. هرچند تاکنون در معرفی این اثر جاودانه، تلاشهای با ارزش زیادی انجام شده است ولی شناخت ساختاری کلام امام علی (ع) در نهج البلاغه افزون بر این که زیباییهای این اثر عظیم را به ما می‌نمایاند، در پاسخ‌گویی به شبهاتی که پیرامون این کتاب مطرح شده است، نیز موثر خواهد بود. کتاب پیرایه نهج البلاغه از آثار گرانبها و مشهور مسلمانان است که نزد آنها به ویژه شیعیان جایگاه ویژه‌ای دارد، و در فرهنگ شیعه آن را برادر قرآن می‌نامند زیرا شیعیان تفسیر کلام وحی را در کلام و عمل اهل بیت عصمت و هجرت جست‌وجو می‌کنند ولی با این همه هنوز ادیبان هنر پرور با پروازهای بلند فوق‌تخلیفات به بلندای شکوه ادب آن نرسیده‌اند. سید رضی در قرن چهارم هجری به جمع‌آوری برخی از آثار علمی امیرالمومنین علی (ع) همت گماشت و آن را در قالب کتابی تدوین کرد که طی قرن‌های متمادی برای ملل عرب و عجم خاستگاه سخنان بلیغ و اندیشه‌های والا از جهت لفظ و معنا بوده است.

ساختار اصلی کتاب را سه فصل؛ خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها تشکیل می‌دهد. البته در این کتاب بخش کوتاهی تحت عنوان «حکمت‌های شگفت‌آور از سخنان امیرالمومنین» وجود دارد که کمتر از آن به عنوان فصل مستقل یاد می‌شود. این بخش هر چند کوتاه ولی بسیار پر اهمیت است و پس از حکمت ۲۶۰ قرار دارد.

سیدرضی بعد از اتمام این کتاب نام آن را «نهج البلاغه» نهاد؛ وی در باره‌ی علت نامگذاری آن چنین می‌نویسد: «بعد از تمام شدن کتاب چنین دیدم که نامش را «نهج البلاغه» بگذارم زیرا این کتاب درهای بلاغت را به روی بیننده می‌گشاید، و خواسته‌هایش را به او نزدیک می‌سازد» (دشتی، ۱۳۷۹: ۲۹)

از سخن سیدرضی حائز بر آن آید که در بین تمام ویژگی‌های منحصر به فرد «نهج البلاغه» فصاحت و بلاغت آن جلوه‌ای دیگر دارد که خودنمایی می‌کند و بی‌دلیل نبوده است که او را، امیر سخن، دلامش را «فصل الخطاب» نامیدند، چون فصاحت و بلاغت که وجه اعجاز قرآن کریم است با تار و پود کلمات حضرت عجین گشته، و وجه اعجاز سخنان گهربار ایشان نیز در دیده است.

از این رو شایسته است که در بررسی ساختاری نهج البلاغه به فصاحت و بلاغت توجهی خاص شود و با یافتن نشانه‌های بلاغت در آن، استعاره و تمثیل که از همه شیواتر است چون عقدی زیبا، زیب و زیور عالم ادب و فرهنگ گردد. زیرا بلاغت نقشی بس ارجمند در ادبیات هر ملت خصوصاً در کتب الهی دارد و نزدیکترین واسطه‌ی میان پیوند های ظاهری کلام و باورها و معارف معنوی که بسیار گسترده‌ترند به شمار می‌آید.

کلمات قصار یا حکمت‌ها که موضوع اصلی این طرح پژوهشی است، حاوی پیام‌های کوتاه و اندرزهای ماندگار امام علی (ع) است که در ۴۸۰ حکمت گرد هم آمده است. البته در باره‌ی تعداد و ترتیب حکمت‌ها در میان تصحیح‌های موجود اختلاف زیادی وجود دارد زیرا برخی از مصححان، چندین حکمت را در یک شماره ذکر کرده‌اند. برخی از کلمات قصار حدود دو صفحه را در بر می‌گیرد که نمی‌توان آن را جمله کوتاه دانست مانند حکمت ۱۴۷ و ۱۵۰، اما حکمت‌های کوتاهی نیز وجود دارد که کم‌تاه‌ترین آنها در این بخش در دو کلمه خلاصه می‌شود مانند حکمت ۲۱۸:

امیرمؤمنان علی (علیه السلام) سه آمد ارباب بلاغت و اوج قلّه افراشته فصاحت بود. زبان گویا و منطق شیوای او به از سینه آکنده از حکمت و فضیلتش نشأت می‌گرفت، نشان دهنده بخشی از علوم الهیه بود که به وسیله پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بدو به یادگار سپرده شده بود خود حضرت می‌فرمود: ینحدر عنّی السّیل و لایرفی الی الطّیر. سیل علوم از دامن کوه سنان من جاری است و مرغان دور پرواز اندیشه‌ها به بلندای ارزش من نتوانند پرواز کرد (استی، ۱۳۷۹، ص ۴۵)

گزیده‌گویی، بهره‌مندی و عبرت‌آموزی از گذشتگان یادآور می‌گردد و قیامت توجه به کارکردهای مثبت و منفی و جاذبه‌های لفظی و تعبیری از هنرهای کلامی است که مخاطبان را شیفته‌ی خود می‌سازد. امیرمؤمنان در نهج‌البلاغه این تابلوی هنر و زیبایی، از هنرهای کلامی فوق بهره‌جسته است. بخش پایانی نهج‌البلاغه به کلمات قصار اختصاص دارد که در بردارنده‌ی سخنان کوتاه جذاب پرمعنا و قابل فهم است.

ابن ابی الحدید شارح نهج البلاغه در وصف خطبه ۲۲۱ نهج البلاغه که امام (ع) آن را پس از تلاوت آیه شریفه ﴿الْهَآكِمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ ایراد فرموده‌اند، می‌نویسد: «سوگند به کسی که همه‌ی امت‌ها به او سوگند می‌خورند من این خطبه را در مدت پنجاه سال تاکنون بیش از هزار بار خوانده‌ام. هیچ بار در آن تأمل نکردم مگر آن که در من خشیت و خوف و پندی ایجاد کرد و در دلم تاثیر نهاد و مرا به لرزه آورد هیچ بار در آن تأمل نکردم مگر آن که به یاد مردگان از خویشاوندان و نزدیکان و دوستانم افتادم و چنین تصور کردم که آن را که حضرت به توصیف حالش پرداخته خودم هستم. در این زمینه بسیاری از خطبا و فصحا داد سخن داده‌اند و من آن‌ها را مرور کرده‌ام ولی هیچ کدام تاثیر کلام امیرالمومنین را بر من نداشته است.» (ابن ابی الحدید، ج ۱۱، ص ۱۵۳)

همام صحابی عابد امیرالمومنین آن گاه که از امام خواست که پارسایان را برای او توصیف کند که گویی آنان را با چشم می‌بیند امام (ع) فرمود: «ای همام پروای از خدا داشته باش و نیکوکاری کن که بی‌تردید خداوند پارسایان را به تو معرفی کند و اهل نیکوکاری باشند. همام به این مقدار از سخن تابع شد. امام را سوگند داد که توصیف بیش‌تری بنماید. و امام اوصاف پارسایان را شرح داد. تا وقتی که سخن امام (ع) بدین جا رسید که دوری اهل تقوا از سر کبر و خودبزرگ بینی و نزدیکی‌اش از روی مکر و خدعه نیست در آن هنگام همام فریادی کشید که جانش در آن بود. امام فرمود: «به خدا سوگند که بر او از همین می‌ترسیدم. موعظه‌های بلیغ با اهلش چنین می‌کند.» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۴۰۶).

با توجه به آنچه گفته شد زمانی می‌تواند سخنان فصیح و بلیغ امام(ع) برای دیگران مفید باشد که درک شود و زمانی درک می‌شود که زیبایی‌های نهفته در آن به تفصیل بیان شود و این پژوهش بر آن است تا عبارات کلمات قصار را به گونه‌ای تجزیه و تحلیل کند که خاص و عام آنرا را به راحتی بفهمند.

بر واضح است که اگر ما به بیان نکات ظریف این کتاب گراقتدر نپردازیم و آن را کاملاً تجزیه تحلیل نکنیم و به مقدس دانستن آن اکتفا کنیم از نعمت بزرگی محروم شده‌ایم. نهج‌البلاغه توسط علمای بزرگی چون ابن ابی الحدید، ابن میثم و دیگران بارها شرح شده است ولی از آنجا که تحقق بر صور خیال در نهج‌البلاغه برای شارحان، هدف نبوده محدوده‌ی تصویرها مشخص است و کارهای انجام شده نیز پراکنده و منتزع از یکدیگر است و آن رسایی را که سابقه‌ی کلام امیر المومنین(ع) باشد ندارد و آن تحقیق شایسته‌ای که به طور مستقل باید بازنگری از نظر کمی و کیفی و در نظر داشتن مفهوم تصویر به معنای امروزی انجام گرفته باشد صورت نگرفته و تصویرهای نهج‌البلاغه به گونه‌ای که پاسخگوی نیازهای علم بیان در عصر حاضر باشد فراهم نیامده است بنا بر این لازم است تالیفاتی انجام سرد تا بیانگر ارزش تصویر در بیانات آن حضرت و میزان تاثیر آن بر متون پس از آن باشد. بر این اساس، مطالبی که از نظر گذشت، انگیزی برای فراهم آوردن این تألیف کردید.

همچنین هدف از انجام این تحقیق آشنایی بیشتر با محتوا و مضامین عالی حکمت‌های امام بوده است چرا که همین تفکر و تأمل در سخنان معصوم، نورانیت خاصی نصیب انسان کرده و سبب تعالی روح‌ها می‌گردد و او را از زخارف دنیای مادی و فریبنده دور می‌کند و یک دوره‌ی کامل انسان‌سازی است.

براساس اطلاعات موجود کتاب پر بار نهج البلاغه از منظرهای متعددی مورد کاوش و بررسی قرار گرفته است و عمده این کاوش‌ها و تحلیل‌ها در مسیر فهم کلام و مفاهیم اخلاقی و دینی این کتاب بوده است. قدیمی‌ترین کتاب در باره‌ی مطالب بلاغی کلام امیر المومنین (ع) به صورت پراکنده توسط سید رضی در نهج البلاغه نگاشته شده است. او که خود با شناخت زیبایی‌های کلام سحرآمیز آن حضرت، تصمیم به تألیف نهج البلاغه گرفت؛ برای نخستین بار از لطافت‌ها و زیبایی‌های آن آب حیات، پر برداشت. وی در پایان برخی از خطبه‌ها، نامه‌ها و کلمات قصار آنچنان مسحور زیبایی‌هایش شده که با کشف و تحلیل صور خیال در سخنان گهربار آن حضرت جلوه‌ها و از ادب بلاغی آن کلام آسمانی را نمایان کرده است. از آن زمان تاکنون کتابی مستقل برآوردن چگونگی علم بیان در نهج البلاغه نگاشته نشده است تا نیاز پژوهشگران این عصر را برآورده سازد. البته بعضی از شارحان نهج البلاغه به تأسی از سید رضی، ضمن شرح گفته‌های امیرالمومنین (ع) به تعدادی از استعاره‌ها به سبک سنتی اشاره کرده‌اند که شرح‌های نهج البلاغه‌ی ابن میثم بحرانی، ابن ابی الحدید، ملا فتح الله کاشانی و عبدالرحمان عتباتی، شیخ محمدتقی شوشتری و منهاج البراعه‌ی حبیب الله هاشمی خوبی از آن نمونه‌ها است. ولی کامل‌ترین منبع موجود در مورد نکات بلاغی کلمات قصار، کتاب شرح نهج البلاغه ابن میثم است، از این رو این کتاب به عنوان منبع اصلی استفاده شده است. ولی در بعضی موارد در تشخیص نوع مورد بلاغی اختلاف نظر وجود داشت که نظر محقق و نظر اصح قید شده است.